

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دلیل ششم اخباريها بر عدم حجیت ظواهر قرآن: علم اجمالی به وقوع تحریف در قرآن

آخرین دلیلی که از طرف اخباريها برای نفی حجیت ظواهر کتاب ذکر شده، مسئله علم اجمالی به وقوع تحریف در قرآن کریم است. ظاهراً خود اخباريها این دلیل را بیان نکرده‌اند و در کلماتشان این دلیل ذکر نشده است؛ و بر حسب آنچه در کتاب اوثق الوسائل آمده، اولین کسی که این دلیل را به عنوان یکی از ادله اخباريها ذکر کرده است، مرحوم شریف العلماء است.

جهت این که اخباريها به این دلیل نپرداختند، این است که آنها می‌خواهند مسئله عدم حجیت ظاهر کتاب را با قطع نظر از مسئله تحریف اثبات کنند. یعنی می‌خواهند بگویند اگر یقین هم داشته باشیم که قرآن تحریف نشده است، مع ذلك، ظواهرش برای ما حجیت ندارد؛ و الا اگر کسی ادعای تحریف قرآن را داشته باشد، قرآن دیگر از این جهت اعتباری ندارد. لذا، اخباريها ادعای بالاتری دارند و می‌گویند: با قطع نظر از مسئله تحریف، هرچند یقین داشته باشیم که این کتاب، همان کتاب منزل بر قلب نورانی پیامبر(ص) هست، اما ظواهرش برای ما حجیت ندارد.

اما توضیح و بیان دلیل: مستدل می‌گوید: ما علم اجمالی داریم به وقوع تحریف به نقیصه در قرآن کریم، - اما تحریف به زیاده، مورد اتفاق همه‌ی علماست که در قرآن کریم، تحریف به زیاده نداریم. - و این که در برخی از آیات شریفه نقیصه‌ای واقع شده و بعضی از کلمات حذف شده است؛ و در آن کلمات، امکان قرینیت برای دیگر آیات هست؛ که اگر آنها بودند، آیات ظهور دیگری پیدا می‌کرد.

بنابراین، حالا که این آیات از دست ما خارج شده‌اند، ما نمی‌توانیم به ظواهر آیات تمسک کنیم. مرحوم آخوند در کفایه می‌فرماید: ما ادعای علم اجمالی به وقوع تحریف به نقیصه در قرآن کریم را بعید نمی‌دانیم؛ بعضی از روایات هم شاهد بر این معناست؛ و علاوه بر اخبار، اعتبار هم مساعد با این ادعاست. - می‌فرماید: «غیر بعیده یشهد به الاخبار تشهد به الاخبار و یساعده الاعتبار». - یکی از اشکالاتی که معمولاً بر مرحوم آخوند می‌شود و بزرگان فرمودند قلم مرحوم آخوند لغزش فوق العاده پیدا کرده، همینجاست که ایشان ادعای علم اجمالی به تحریف به نقیصه در قرآن را بعید نمی‌دانند.

ایشان می‌فرمایند بعید نیست و شاهدش بعضی از روایات است که در کتب ما وجود دارد و البته در کتب اهل سنت به مراتب بیشتر است؛ و اگر ان شاء الله بنا باشد بحث تحریف را دنبال کنیم، نمونه‌های زیادی می‌آوریم از روایاتی که در کتب اهل سنت،

مثل مسند احمد حنبل، صحيح مسلم و اتقان سيوطي وجود دارد و بيان مي‌دارد كه چه سوره‌هايي بوده و الآن حذف شده است و يا چه آياتي بوده كه الآن نيست. خود اين مطلب كه اين روايات چگونه وارد كتب فريقين شده است نيز نکته‌ي بسيار مهم و حساسي است كه در جايش بيان خواهيم كرد.

به هر حال، مثلاً در مورد آيه شريفه سوم سوره نساء، « وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنًى ثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا »، روايتي نقل شده است كه زنديقى يا يهودي آمد خدمت اميرالمؤمنين (ع) و گفت اين كتابي كه شما داريد، بين بعضي از جملاتش تناسب نيست و اين آيه را به عنوان شاهد آورد كه اول آيه مي‌گويد وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ اگر مي‌تريد عدالت را در مورد يتيمي رعايت نكنيد فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ با زنان نكاح كنيد. اينجا چه تناسبى بين قسمت اول و دوم اين آيه وجود دارد؟

در روايت آمده است كه حضرت فرموده‌اند بعضي از منافقين، مطالب و كلماتي كه بين اين دو قسمت آيه بوده و به اندازه ثلث قرآن است را اسقاط كردند. بنابراين، اين روايت شاهد گرفته شده است بر اينكه تحريف به نقيصه در قرآن وجود دارد؛ در حالي كه وقتي به كتب تفسيرى مراجعه مي‌كنيم، بين دو قسمت آيه كاملاً ارتباط است؛ وقتي شأن نزول آيات ملاحظه مي‌شود، كاملاً تناسب و ارتباطش روشن است. آيه در مورد نكاح است و مي‌فرمايد اگر در مورد نكاح با يتيمه‌اي خوف داريد كه عدالت را در حق او رعايت نكنيد، برويد و با زن‌هاي غير يتيمه ازدواج كنيد.

مرحوم طبرسي در كتاب **مجمع البيان** شش وجه براي تناسب بين صدر و ذيل آيه شريفه ذكر کرده‌اند كه يكي همين مطلبي بود كه ذكر كرديم و مابقي را خود آقايمان ملاحظه كنند. پس، مرحوم آخوند اين روايات را شاهد بر غير بعیده بودن تحريف به نقيصه قرار دادند؛ و بعد مي‌فرمايند: « **و يساعده الاعتبار** »، غير از روايات، قول به تحريف با اعتبار نيز مساعدت دارد. در اينكه مراد از اعتبار چيست، بين محشين كفايه اختلاف است.

مرحوم مشكيني در حاشيه كفايه يساعده الاعتبار را به همين معنا كه بين آيات گاه تناسبى وجود ندارد، تفسير مي‌كند؛ عدم تناسب بين صدر آيه و ذيل آيه ما را راهنمايي مي‌كند كه يك چيزي در اين وسط بوده و حذف شده است. مرحوم محقق رشتي - كه يكي از حواشي خيلي دقيق بر كتاب **كفايه**، حاشيه مرحوم رشتي است و ما هم وقتي **كفايه** را مي‌گفتيم، مقيد بوديم مطالب ايشان را ببينيم و آنچه كه لازم است ذكر كنيم - در حاشيه مي‌گويد: مراد از «يساعده الاعتبار» اين است كه اين قرآن در زمان عثمان جمع‌آوري شد و آنها يك قرآن را از ميان قرآن‌هاي مختلف انتخاب كردند و نسبت به بقيه عثمان دستور داد كه سوزانده شوند.

از اينجا معلوم مي‌شود كه در قرآن‌ها كم و زياد بوده است. اما آيا اين حرف درست است يا نه؟ آيا قرآن در زمان عثمان جمع‌آوري شد يا به دست اميرالمؤمنين (ع) جمع‌آوري شده است؟ اين هم در جاي خودش بايد بحث شود. لذا، مرحوم آخوند با اين دو مطلب مي‌فرمايند قول به تحريف بعيد نيست؛ و عرض كردم كه بزرگان فرموده‌اند اين از لغزش‌هاي بسيار بزرگ مرحوم آخوند است. و هم اكنون مي‌دانيد يكي از چيزهايي كه شيعه را به آن متهم مي‌كنند، همين قول به تحريف است. كه ان شاء الله عرض مي‌كنيم اصلاً قول به تحريف از خود اهل سنت شروع شده است و آنها در رواياتشان اين مسائل را دارند و در جاي خودش هست و ما هم ان شاء الله ممكن است عرض كنيم.

پاسخ مرحوم آخوند از دليل ششم

مرحوم آخوند با اين كه مي‌فرمايند قول به تحريف بعيد نيست، اما دو جواب مي‌دهند كه اين مسئله مانع از حجيت ظواهر نيست.

در جواب اول می‌فرمایند: ما بالاخره از قول به تحریف، علم به وقوع خلل در آیه می‌پیدا نمی‌کنیم؛ و اگر آیه ظهور در معنایی داشته باشد و شما بخواهید از ظاهر آن رفع ید کنید، باید خلل را احراز کنید و علم به آن پیدا کنید. و در اینجا علم اجمالی باعث یقین به وقوع خلل در آیه معین نمی‌شود.

در جواب دوم می‌فرمایند: سلمنا، و دست از جواب اول برداریم - چون انصاف این است که جواب اول اشکال دارد؛ وقتی علم اجمالی داریم به اینکه خلل و نقیصه هست، در آیه معین هم احتمال می‌دهیم که یک چیزی بوده و الآن حذف شده است، و آن، قرینیت داشته است؛ لذا، در آن خلل وجود دارد. - باز ما یقین داریم که این خلل در غیر آیات الاحکام است و در آیات الاحکام چنین چیزی نیست و لذا، علم اجمالی ما منحل می‌شود. توضیحش این است که یکی از شرایط منجزیت علم اجمالی این است که اطراف علم اجمالی در دائره ابتلاء واقع شده باشد و محل ابتلاء باشد؛ اما وقتی بعضی از اطراف علم اجمالی از دائره ابتلاء خارج شد، علم اجمالی منحل می‌شود؛ طرفی که خارج است کنار می‌رود و شبهه نسبت به طرف موجود، می‌شود شبهه بدوی و دیگر منجزیت علم اجمالی از بین می‌رود.

در مانحن فیه، مرحوم آخوند می‌فرمایند: آنچه که محل ابتلائی ما هست آیات الاحکام است که می‌خواهیم بحث کنیم آیا ظواهر این آیات حجیت دارد یا نه؟ اما غیر آیات الاحکام از محل ابتلاء خارج است که ما هم احتمال می‌دهیم اصلاً تحریف بیشتر در آنها واقع شده است؛ در مورد آیات الاحکام شبهه می‌شود شبهه بدوی و دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود.

اینجا تعبیری را مرحوم محقق اصفهانی در حاشیه کفایه دارند که برای توضیح این مطلب باید بیان شود؛ ایشان در صفحه 177 از جلد 3 **نهایة الدراية** برای توضیح فرمایش آخوند می‌گویند: داعی در تحریف آیات الولایه زیاد بوده است، اما در آیات الاحکام داعی بر تحریف نبوده است و آیات الولایه از دایره ابتلا خارج است.

اما مرحوم اصفهانی تعبیر دیگری دارند و می‌فرمایند: آیاتی که متضمن یک تکلیف فرعی نیست، معنا ندارد که بگوییم ظاهراً حجیت دارد؛ در مورد آیات اعتقادی چنین چیزی معنا ندارد. تعبیر ایشان این است: **الكلام الغير المتضمن للتكليف لا معني لحجية ظاهره علي المكلف كلامي** که متضمن تکلیف نیست، معنا ندارد که بگوییم ظاهراً بر مکلف حجیت دارد **حيث لا معني للحجية الا كون الشيء بحيث يحتج به في مورد المؤاخذة بالذم والعقاب** قبلاً هم اگر یادتان باشد مرحوم اصفهانی حجت را اینطور معنا کرد که حجت یعنی ما یصح الاحتجاج به در مقام مؤاخذة؛ مولا وقتی می‌خواهد کسی را مؤاخذة کند، می‌گوید این دلیل را داشتی، چرا بر طبقش عمل نکردی؟

و لا معني لذلك يعني اینکه می‌گوییم حجت یعنی ما یصح الاحتجاج به؛ **الا فيما يشتمل علي التكليف والآيات المتضمن للقصاص** و شبهها **لا حجية لظهورها** آیاتی که متضمن قصاص هست معنا ندارد که بگوییم ظاهراً حجیت دارد و بالاتر بل **الآيات المتضمنة للعقائد و المعارف** آیاتی که متضمن عقاید و معارف است **لا حجية للظهورها** أيضاً نمی‌توانیم بگوییم ظهور این آیات هم حجیت دارد **وإن كانت متضمنة للتكليف بالاصول** آیات اعتقادی هم بالاخره متضمن این است که تکلیف به اصول می‌کنند، اما باز نمی‌توانیم بگوییم ظهورش حجیت دارد؛ **إذ المطلوب فيها الاعتقاد لا التعبد والعمل**؛ زیرا، مطلوب در آیات اعتقادی، اعتقاد است و نه تعبد و عمل، **كي يتصور فيه حجية الظاهر** تا حجیت ظاهر در آن تصور شود. این بیان مرحوم اصفهانی در توضیح فرمایش مرحوم آخوند بود؛ ما هنوز فرمایش مرحوم آخوند را کامل نکردیم، امشب آقایان حتماً به کفایه مراجعه کنید و عبارت ایشان را از جایی که می‌فرماید: « **و دعوي العلم الاجمالي بوقوع التحريف فيه ...** » تا آخر را ببینید؛ فردا بحث را تکمیل می‌کنیم. و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين.